

# الباب السابع و العشر من الواحد الثالث لا يجوز كتابة...

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب السابع و العشر من الواحد الثالث لا يجوز كتابة آثار النقطة كلها الا بأحسن الخط و ان يكن عند احد حرفا من دون خط الحسن فيهبط عمله و لم يكن من المؤمنين.

ملخص این باب آنکه کل آثار نقطه مسمی بیان است ولی این اسم بحقیقت اولیه مختص آیات است و بعد در مقام مناجات بحقیقت ثانویه ذکر میشود و بعد در مقام تفاسیر بحقیقة ثالثیه و بعد در مقام صور علمیه بحقیقة رابعیه و بعد در مقام کلمات فارسیه بحقیقت خامسیه اطلاق میشود

ولی این اسم مختص آیات است نه غیر او باستحقاق چنانچه اذن داده شده بر اینکه تسمیه بعبد البیان در نفوس گذارده شود زیرا که از ماده بیان اسم الله مشتق میگردد و اول من قد سمی نفسه به الله جل جلاله حیث قد نزل فيه انی انا الله لا اله الا انا الواحد البیان

و کل سر بیان در اسم او ظاهر زیرا که عدد البیان با واحد صورت جامعه عدد الله میگردد تا آنکه مرآتى باشد از برای نقطه بیان که آن مرآت لله بوده و از برای "من یظهره الله" که او است مرآت لله و آنچه که در بیان است که لله باشد از برای لله بوده وهست و در حین صورت جامعه او است

و در حین ذکر هر حرفی از حروف واحد بعدد باب تمامیت عدد این کلمه علیه میگردد زیرا که ایشانند که لله بوده وهستند ولی کل راجع بباب اول میگردد چنانچه در نقطه بیان ظاهر از ما فی المرایا لن یعدل شمس السماء



ORIGINAL



AUDIO

و ما من اله الا الله رب السموات و رب الارض رب كلشئ رب ما یری و ما لا یری رب العالمین و ان الهکم  
لاله واحد لا اله الا هو الرحمن المتعالی المنیع

و اذن داده نشده که احدی حرفی از حروف بیان را بنویسد الا باحسن خط و احسن از برای هر نفسی در حد  
او است نه در حد فوق اون و نه در حد دون آن و این از برای این است که روح متعلق بآن حرف که در بیان  
است باعلی ما یمکن فی الامکان فی حده مرتفع گردد که در مؤمنین بیان دیده نشود شیئ الا آنکه آن شیئ در  
حد خود بکمال رسیده باشد چنانچه امروز حروف الفیه چگونه ممیزند در طرزیت از سایر ملل همین قسم من فی  
البیان گردد که اگر احدی از بیان در مشرق ارض باشد بنفسه از حسن او و حسن آنچه در نزد او است در  
حد خود محبوب گردد که این اعظم سببلی است از برای جذب کل ادیان بدین واقع خداوند رحمن ولی کل  
در صورتی است که مقتدر باشد نه اینکه بر نفس خود صعوبت وارد آورد در شیئ زیرا که خداوند دوست  
نداشته که نظر فرماید بنفس مؤمنی در حزن بل کل علی قدر ما استطاعوا لیکلفون

گویا الآن در این جبل مشاهده میشود که بیانهای مطرز نزد اهل بیان هست و بتلاوت آن متلذذ میگردند و  
بآنها مستعد شده اند که با بیانهای خود در نزد "من ینظره الله" وافد گردند که وفود علی الله بوده و هست و  
اظهار وجود خود را در نزد او محتجب نموده که از حیاء بعید بوده و هست فلتتقن الله ان یا اولی البیان کلکم  
اجمعون.

